

روابط فرهنگی ایران و آمریکا

(تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)

دکتر غلامحسین محمدی



انتشارات فردوس

سرشناسه: محمدی، غلامحسین
عنوان و نام پدیدآور: روابط فرهنگی ایران و آمریکا (تا پیروزی انقلاب اسلامی
۱۳۵۷)/ غلامحسین محمدی.
مشخصات نشر: تهران: فردوس، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص.
شابک: 978-964-320-372-6
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Gholam Hassan Mohammadi: Iran-America
cultural relation [fold victory Revolution Islamic 1979]
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴۳] - ۲۴۷.
موضوع: ایران - روابط فرهنگی - ایالات متحده.
موضوع: ایالات متحده - روابط فرهنگی - ایران.
رده‌بندی کنگره: ۳ ۱۳۸۷ م الف / ۱۵۰۲۳ DSR
رده‌بندی دیویی: ۳۷۲/۵۵۰۷۳
شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۳۲۷۳۰



انتشارات فردوس

خیابان دانشگاه - کوچه میرا - شماره ۷ تلفن ۶۶۴۹۵۷۷۹-۶۶۴۱۸۸۳۹

روابط فرهنگی ایران و آمریکا

(تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)

نوشته: دکتر غلامحسین محمدی

چاپ اول: تهران ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپخانه رامین

شابک: ۶-۳۷۲-۳۲۰-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۲۰-۳۷۲-۶-۹۷۸-۹۶۴-۳۲۰-۳۷۲-۶ SBN: 978-964-320-372-6

آدرس وبسایت www.ferdospub.com

۴۵۰۰ تومان

فهرست

مقدمه / ۱

بخش اول: نگاهی به گذشته؛ روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از آغاز

تا شهریور ۱۳۲۰

فصل اول: ایران و ایالات متحده آمریکا، نخستین برخورد / ۷

فصل دوم: اصول و مبانی روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده آمریکا از

آغاز تا شهریور ۱۳۲۰ / ۲۳

فصل سوم: روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده در فاصله دو جنگ اول

و دوم جهانی / ۳۷

بخش دوم: روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از شهریور ۱۳۲۰ تا

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

فصل چهارم: روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از شهریور ۱۳۲۰ تا ملی

شدن صنعت نفت در ایران / ۴۷

فصل پنجم: روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از ملی شدن صنعت

نفت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ۶۵

بخش سوم: روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی

فصل ششم: دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده تا دوران انقلاب

سفید / ۸۵

فصل هفتم: دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده از انقلاب سفید تا

انقلاب اسلامی / ۹۹

بخش چهارم: دیکتاتوری شاه؛ و اصلاحات آمریکایی در عصر کندی

فصل هشتم: رقابت آمریکا و شوروی در ایران / ۱۲۵

فصل نهم: نفوذ سیاسی و فرهنگی آمریکا در ایران / ۱۲۹

فصل دهم: رقابت آمریکا و انگلیس در ایران / ۱۳۹

بخش پنجم: ماجرای مصدق و کودتا

فصل یازدهم: مصدق، کودتا و پیامدهای آن / ۱۴۵

فصل دوازدهم: مرز جدید و انقلاب سفید / ۱۴۹

فصل سیزدهم: شاه و تیم کندی / ۱۵۳

فصل چهاردهم: کندی و اصلاحات سیاسی و اجتماعی شاه / ۱۵۷

فصل پانزدهم: شاه و دولت امینی / ۱۶۷

فصل شانزدهم: اصلاحات ارضی / ۱۷۱

بخش ششم: نقطه عطف

فصل هفدهم: نهضت پانزده خرداد امام خمینی / ۱۷۹

فصل هجدهم: نگاهی به کابینه‌های عصر پهلوی و حضور سیاستمداران

متمایل به آمریکا / ۱۸۵

فصل نوزدهم: برنامه‌های فرهنگی آمریکا در ایران در عصر پهلوی

دوم / ۲۰۹

فصل بیستم: سقوط شاه / ۲۱۷

نتیجه‌گیری

منابع و مأخذ

مقدمه

استراتژی آمریکا در سیاست خارجه این کشور مبتنی بر صدور اعلامیه جمیز مونرو^(۱) ششمین رئیس‌جمهوری در سال ۱۸۲۳/۱۲۰۲ بود. براساس مفاد این اعلامیه آمریکا تعهد کرد در مسائل مربوط به قاره اروپا و مناطق نفوذ کشورهای امپریالیستی قاره دخالت نکند و متقابلاً به اروپا هشدار داد از دخالت در امور قاره آمریکا خودداری کند. این اعلامیه اهداف پنهان بسیاری از جانب آمریکا در خود داشت، اما آنچه مربوط به منطقه خاورمیانه و کشور ما می‌شد، این بود که ایالات متحده کوتاه زمانی پس از صدور این اعلامیه، به آرامی و زیرکی و در پشت پرده‌های فرهنگی، بهداشتی و آموزشی ابتدا با عثمانی به توافق رسید و سپس در سال ۱۸۳۲/۱۲۱۱ نخستین هیأت‌های میسیونری آمریکا وارد ایران شد. این امتیازی بود که در زمان محمدشاه قاجار به آمریکا داده شد. میسیونرها ابتدا ارومیه و اصفهان را که دارای اقلیتی مسیحی بودند انتخاب کردند.

آمریکایی‌ها ابتدا فعالیت فرهنگی خود را در میان آذری‌های ارومیه و تبریز شروع کردند. با ساخت یک چاپخانه و انتشار روزنامه و کتاب به زبان

1. James Monroe

آسوری و حتی چاپ و نشر کتاب مقدس (انجیل) به زبان آسوری، تأسیس مدارس پسرانه و دخترانه که گاهی مختلط بودند، کار فرهنگی خود را شروع کردند و در پناه آن به امور عام‌المنفعه نظیر ایجاد درمانگاههای بهداشتی پرداختند.

علت این که آمریکایی‌ها از مسیر فرهنگی - بهداشتی وارد خاور نزدیک^(۱) و به خصوص وارد ایران شدند، این بود که به دلیل ناتوانی دولت مرکزی، این دو مورد نقطه ضعف جامعه ما بود، به ویژه در میان اقلیتهای مسیحی، موقعیت بی‌دردسری را برای آنان به وجود آورده بود. از سوی دیگر بهره‌گیری از شیوه‌های فرهنگی - بهداشتی جزء اهداف استراتژیک آمریکا در ورود به دنیای امپریالیستی بود، زیرا همین روش‌ها را در آمریکای لاتین و فیلیپین نیز به اجرا گذاشته بودند تا با چهره‌های خیرخواهانه وارد کشورها شدند. از جهت دیگر چون ارومیه و تبریز در حوزه استحقاقی روسیه و اصفهان و تهران و احتمالاً بوشهر در منطقه نفوذ انگلیس قرار داشت، ناچار بودند با گام‌های انعطاف‌پذیر وارد شوند. حتی همین روش‌های نرم و حضور بشردوستانه آمریکا نتوانست مانع تحریک‌پذیری روسیه و انگلیس شود. این دو کشور با تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی باعث شدند تا آمریکایی‌ها بساط خود را از گوشه و کنار ایران جمع کنند و خارج شوند. اما به طور پراکنده هیأت‌های میسیونری به فعالیت‌های مذهبی (تبلیغ پروتستان) ادامه دادند.

مرحله بعدی ورود آمریکا به میدان رقابت ایران، چهره اقتصادی داشت. در سال ۱۹۱۱/۱۲۹۰ مورگان تسوستر در رأس یک هیأت چهار نفره مالی برای در دست‌گیری نظام مالی و مالیاتی وارد تهران شد. البته دولت ایران

۱. هنوز اصطلاح خاورمیانه باب نشده بود. این اصطلاح توسط یک ناخدای آمریکایی و سپس وزارت خارجه این کشور و بریتانیا از نیمه دوم قرن نوزدهم متداول شد.

قبلاً موافقت روس و انگلیس را به دست آورده بود. به دنبال سیاست این دو کشور شوستر ناچار شد خاک ایران را ترک کند، ولی یک بار دیگر در سال ۱۳۰۱/۱۹۲۲ برای ساماندهی همان کارهای قبلی به ایران آمد. سپس داستان پر ماجرای آمدن دکتر دیسیپو به میان آمد که قوام السلطنه با تمایل عمیقی که نسبت به واشنگتن داشت می‌خواست از وجود آمریکایی‌ها به عنوان «نیروی سوم» استفاده کند که چندان موفق نشد، تا این که در فاصله جنگ اول و دوم با افول قدرت انگلیس و بروز انقلاب بلشویکی در روسیه، میدان برای حضور فعال آمریکا مهیا شد.

در مرحله سوم حضور آمریکا در ایران نظامی بود که عملاً از سالهای ۱۳۲۰/۱۹۴۱ پس از اخراج رضاشاه هیأت‌های مستشاری آمریکا نه تنها بر ارتش بلکه بر شبکه مواد غذایی، پوشاک، بهداشت و فرهنگ کشور مسلط شدند. رایج شدن زبان انگلیسی به جای زبان فرانسه در مدارس و دانشگاهها از آثار آشکار تسلط فرهنگی آمریکا بر کشور بود.

روابط فرهنگی را می‌توان در دو جهت مورد بررسی قرار داد؛ نخست، روابط فرهنگی به عنوان بخشی از دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور؛ و دیگر، روابط فرهنگی به عنوان علائق شخصی، علمی و اجتماعی میان افراد مقیم در هر کشور با کشورهای دیگر با کمترین ملاحظات سیاسی و گاه بدون کنترل از جانب دستگاه دیپلماسی هر کشور. البته دو حوزه علائق ملی و علائق شخصی در بیشتر مواقع خصوصاً در مناسبات سیاسی میان یک کشور دارای قدرت و داعیه جهانی با یک کشور ضعیف التقاط و در آمیختگی خواهد داشت. ایران و ایالات متحده روابط خود را بسیار دیرتر از سایر عمالک متمدن دنیا آغاز کردند که در ابتدا وجه فرهنگی این روابط

غلبه تام داشت و به تدریج این مناسبات به یکی از محورهای پیشبرد علائق سیاسی ایالات متحده تبدیل شد.

کتاب حاضر در صدد یافتن خطوط مناسبات فرهنگی دو کشور با توجه به محورهای فوق‌الذکر است و اینکه روابط فرهنگی دو کشور امری مقدم بر مناسبات سیاسی بود و دلایل مستندی بر این تقدم ارائه خواهد شد و در نهایت به این سؤال اصلی پاسخ داده خواهد شد که روند روابط فرهنگی دو کشور چه تأثیر بر سایر جنبه‌های روابط میان این دو کشور از قبیل روابط سیاسی و اقتصادی داشت؟ و روابط فرهنگی دو کشور چه تغییرات و تحولاتی را در فضای فرهنگی و سیاسی ایران به وجود آورد؟ روندی که در این کتاب پی گرفته شده است، دوره‌بندی بر اساس تحولات زمانی می‌باشد و سه بخش کلی ذیل را در بر می‌گیرد: از آغاز روابط تا شهریور ۱۳۲۰/ آگوست ۱۹۴۱ به عنوان مدخل بحث اصلی، از شهریور ۱۳۲۰/ آگوست ۱۹۴۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲/ جولای ۱۹۵۳ و از کودتا تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷/۱۹۷۹ و نیز فرازهای مهم دیگر که در دل سه بخش فوق هم واقع شده است از جمله دیکتاتوری شاه و اصلاحات آمریکایی در عصر کندی، ماجرای مصدق و کودتا و نقطه عطف. از نظر نگارنده دوره دوم مناسبات فرهنگی (از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷) (آگوست ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹) حلقه ارتباطی نگرشهای فرهنگی میان دو کشور محسوب می‌شود که با استفاده از گذشته دیپلماسی فرهنگی و سیاسی دوره بعدی تنظیم شد. لازم به ذکر است که در تهیه این کتاب منابع داخلی و در حد بضاعت علمی نگارنده از منابع خارجی و اسناد وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات استفاده شده است که امید است کاستی مطالب با دیده اغماض خوانندگان نگریسته شود.